



در بسته خبری بخوانید
این روزها کشورهای عربی
برای قطر خط و
نشان می کشند

گفتی...!



در صفحه دو و سه بخوانید
پنج پرده از رئال مادرید که
با قهرمانی در لیگ قهرمانان
تاریخی شد

اوزیدان است...!

چطور یک رابطه درب
و داغون را درست کنیم

قهرمان قهرمان قهرمان قهرمان قهرمان قهرمان

تکتم دره کی | اصل این ماجرا ربطی به نازکنارنجی بودن شما ندارد و برای همه پیش می آید. همین که در یک شرایط قهر قرار می گیرید، چه مقصر باشید و چه نباشید، خیلی زود روان تان به هم می ریزد. اصلاً حال آدم گرفته می شود، مخصوصاً اگر کسی که با او قهر کرده اید، خیلی به شما نزدیک باشد. اگر هر لحظه او را ببینید که دیگر بدتر. مثلاً اگر با یک هم کلاسی معمولی قهر کرده اید، درست است که ناراحت می شوید، ولی قهر با یک دوست خیلی صمیمی تمام حال شما را می گیرد و باز اوضاع وقتی خراب تر می شود که با یکی از اعضای خانواده مثلاً خواهر یا برادر تان قهر کرده باشید، در این صورت دیگر خیلی سریع باید دنبال راه حل باشید که اوضاع را درست کنید.



قهرمان قهرمان قهرمان قهرمان قهرمان قهرمان

- بازرسی کنید
- پلها را خراب نکنید
- زیر فرش آشغال های
- پارچه های
- عازر خواهی واقعی
- کجاست؟ اصل مشکل
- نیازی به آشتی کردن نیست؟!
- کار تان لنگ می ماند



کار تان لنگ می ماند

یاد بگیرید که وقتی قهر هستید، بیشتر از آن که حرف بزنید، سکوت کنید. حرف زدن های مکرر باعث می شود سوتی ها پشت سرهم بیایند و کار را خراب تر کنید. همان مقدار هم که حرف می زنید لازم نیست همه چیز را برای همه بگویید و آبروی کسی که تا دیروز رابطه خوبی با او داشتید را پیش دیگران ببرید. کاری نکنید که وقتی آشتی کردید، از او خجالت بکشید. خیلی از این حرف ها و کارها باعث می شود که نتوانید بعد از آن به راحتی آشتی کنید و حتی اگر مقصر هم نباشید، کم کم تقصیر کار بشوید، چون باعث ادامه ماجرا شما بودید.

کار تان لنگ می ماند

فکر نکنید از قهر بودن هیچ ضرری به شما نمی رسد و تأثیری بر حال شما ندارد. یکی از اولین تأثیرات قهر بودن، همان تأثیرهای روحی است که روی شما می گذارد و ذهن تان را به خودش مشغول می کند و خوب که دقت کنید می بینید بخش زیادی از انرژی تان در این راه تلف شده است و دائم در همین فکر بوده اید. همین که ذهن تان مشغول بوده، باعث شده خیلی از کارهای مفید دیگر را نتوانید انجام دهید. این حال و اوضاع طبیعی هم هست، به هر حال شما با سنگ و چوب که قهر نکرده اید، با کسی قهر کرده اید که زمانی با او رابطه عاطفی داشته اید، چه دوست تان باشد و چه یکی از اعضای خانواده تان. حتماً خودتان هم تجربه کرده اید که وقتی با یک نفر قهر هستید، وقتی در جمع قرار می گیرید، به هیچ یک از شما خوش نمی گذرد و شبیه آدم های منزوی می شوید، یا برای آن که بیشتر حرص طرف مقابل را در بیاورید، به خنده و حرکات مصنوعی و بی خودی پناه می برید که باز هم این خنده ها نشانه این است که به شما خوش نمی گذرد.

غیر متعین شروع کنید

اگر هنوز بر آن غرور دست دارید
بن خودی ملط نزنید، یک
راه حل این است که از راه های
غیر متعین وارد شوید؛ مثلاً بر خورده های
اتفاقی، سلام کردن های
صمیمی تر، خنده های اتفاقی و...
تا کم کم شرایط بهتر شود.

اصل مشکل کجاست؟

اصل مشکل همین است. اصلاً اگر این یکی نبود، قهری هم در کار نبود. پس سعی کنید هر چه می توانید سرش را زیر آب کنید و از دستش خلاص شوید. غرور بی جا و بدموقع را می گویم؛ همان که دست و پایشان را برای آشتی کردن هم بسته است. حواس مان باشد که این غرور بی جا بسیار هم بی جنبه است و هر چه میدان ببیند، پررتر هم می شود و تا فاتحه همه روابط ما را نخواند، دست از سرمان بر نمی دارد. امام علی (ع) هم در توصیه ای به فرزندانش گفته اند: کسی که نسبت به مردم تکبر کند، ذلیل و خوار خواهد شد. پس به خاطر خودمان و دیگران اقدام کنیم.

بازرسی کنید

یک گام مهم در آشتی کردن این است که مثل بازجوها عمل کنید. بازجوها فیلم های جنایی را دیده اید که از مجرم می خواهند صحنه جرم را دوباره توضیح دهد و یا حتی آن را اجرا کنند؟ این کار برای آن است که علت اصلی پیدا شود. شما هم همین کار را بکنید. از خودتان بازجویی کنید. یعنی سعی کنید یکبار دیگر تمام ماجرا را مرور کنید و علت اصلی را پیدا کنید و بعد در مورد همان علت اصلی، وارد صحبت و گفت و گو شوید. اجازه ندهید دعوای حاشیه ای وارد ذهن تان شده و احساسات تان را تحریک کند.

عازر خواهی واقعی

اگر در تکلم شدن این ارتباط شما مقصر هستید، حتماً باید صمیمانه عازر خواهی کنید. اگر رفتار شما طوری باشد که طرف مقابل حس کند چندان هم از آشتی که او را کرده اید پشیمان نیستید، این آشتی به موضوع نخواهد پیوست.

بازرسی کنید

و تشریح هم وارد صحبت اصلی در مورد موضوع قهر می شوید، صبور باشید و بحث را بر خودی کش ندهید. سعی کنید خلاصه و مختصر صحبت کنید و از توضیحات اضافه بپرهیزید. همان مقدار اندکی که صحبت می کنید، منطقی و شفاف باشد. به همان اندازه که خودتان صحبت می کنید، به طرف مقابل هم اجازه صحبت کردن بدهید.

کار تان لنگ می ماند

فکر نکنید از قهر بودن هیچ ضرری به شما نمی رسد و تأثیری بر حال شما ندارد. یکی از اولین تأثیرات قهر بودن، همان تأثیرهای روحی است که روی شما می گذارد و ذهن تان را به خودش مشغول می کند و خوب که دقت کنید می بینید بخش زیادی از انرژی تان در این راه تلف شده است و دائم در همین فکر بوده اید. همین که ذهن تان مشغول بوده، باعث شده خیلی از کارهای مفید دیگر را نتوانید انجام دهید. این حال و اوضاع طبیعی هم هست، به هر حال شما با سنگ و چوب که قهر نکرده اید، با کسی قهر کرده اید که زمانی با او رابطه عاطفی داشته اید، چه دوست تان باشد و چه یکی از اعضای خانواده تان. حتماً خودتان هم تجربه کرده اید که وقتی با یک نفر قهر هستید، وقتی در جمع قرار می گیرید، به هیچ یک از شما خوش نمی گذرد و شبیه آدم های منزوی می شوید، یا برای آن که بیشتر حرص طرف مقابل را در بیاورید، به خنده و حرکات مصنوعی و بی خودی پناه می برید که باز هم این خنده ها نشانه این است که به شما خوش نمی گذرد.

نیازی به آشتی کردن نیست؟!

اگر احساس می کنید نیازی به آشتی کردن نیست و طرف مقابل مقصر صددرصد است و شما بهترین فرشته روی زمین هستید، از شما خواهش می کنم برای آشتی اقدام نکنید. در این شرایط اگر شروع به صحبت کنید، شما سعی خواهید کرد طرف مقابل را مجبور کنید همه تقصیرها را بپذیرد، یا این که به خاطر همه مشکلات طول تاریخ او را سرزنش می کنید و چندین اشتباه دیگر که هر کدام شان کار را از این که هست، خراب تر خواهد کرد. از طرفی ممکن است او هم بخواهد از خودش دفاع کند و دلایلی داشته باشد و بخواهد حرف خودش را به کرسی بنشاند، که در این صورت دوباره اوضاعی می شود که یکی شما بگویید و یکی طرف مقابل تان. با این وضعیت نه تنها آشتی نمی کنید، بلکه بیشتر از قبل به سر و کله هم زده و برمی گردید سر همان خانه اول پس فقط در شرایطی قدم جلو بگذارید که برای آشتی کردن آمادگی روحی لازم را داشته باشید و آن روی منطقی و معقول تان دیده شود.

واسطه بفرستید

اگر خودتان خجالت می کشید خرابکاری های تان را درست کنید، سراغ واسطه ها بروید. بزرگ ترها واسطه های خوبی هستند و می توانند از آن ها کمک بگیرید. ماجرا را برایشان توضیح دهید و بخواهید به شما کمک کنند.



این روزها کشورهای عربی برای قطر خط و نشان می‌کشند

چی گفتی...!

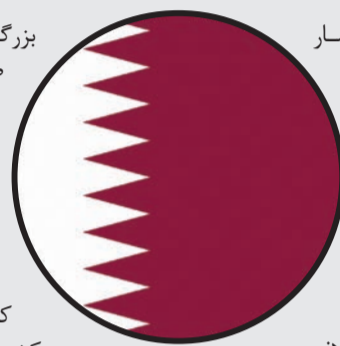
دعوا میان قطر و عربستان که از دو هفته پیش و در پی انتشار اظهارات منتسب به امیر قطر شدت گرفته بود، در روز ۱۵ خرداد به اوج خود رسید.

چه جوری دعوا شد

همه چیز از انتشار یک پیام توی فضای مجازی و بعد هم رسانه‌ها شروع شد؛ پیامی که ظاهراً گفته امیر قطر بود و موضع این کشور را در مقابل آمریکا، سیاست‌های آل سعود و ایران مشخص می‌کرد. توی این پیام، امیر قطر خلاف سیاست‌های کشورهای هم‌پیمان عربی در شورای همکاری خلیج فارس حرف زده و ایران را وزنه منطقه‌ای و اسلامی توصیف کرده بود که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و گفته بود کشورش روابط قوی را با ایران حفظ خواهد کرد. امیر قطر علاوه بر این درگیری با ایران را به‌ویژه به این دلیل که قدرت بزرگ منطقه است، مصلحت ندانسته و حزباً... لبنان را هم جنبش مقاومت خوانده بود و با این کار استارت دعوا زده شد. هرچند که بعد از پخش شدن این پیام، قطری‌ها زیر حرفشان زدند و گفتند که سایتشان حک شده، اما نتوانستند با این کار جلوی شعله‌ور شدن آتش دعوا را بگیرند و بالاخره یکی ایشان گفتند و یکی عربستانی‌ها و کم‌کم دعوا شد. توی دعوا هم که می‌دانید حلوا خیرات نمی‌کنند، به‌خصوص که کار به یار کشی هم برسد. برای همین پس از دوهفته شاخ‌وشانه کشیدن، بالاخره کار بالا گرفت و در روز ۱۵ خرداد عربستان و کشورهای هم‌پیمان آل سعود به بهانه اینکه کشور قطر حامی تروریست است، روابطشان را با این کشور قطع کرده و مرزهای خود را به روی قطر بستند.

برادر بزرگ تری که قلدری می‌کند

به‌طور کلی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همگی اختلافاتی با یکدیگر دارند و این دعوای برای امروز و حالا نیست. در این میان کشور عربستان همیشه سعی کرده بین کشورهای عربی نقش برادر بزرگ‌تر را بازی کند و توی این نقش آن‌قدر فرورفته که گاه با قلدری‌هایش صدای سایر کشورهای همسایه‌اش را درمی‌آورد. این کشور تا حالا با



بزرگ‌نمایی دشمنی با ایران به‌عنوان دشمن جایگزین رژیم صهیونیستی، این کشورها را دور هم جمع می‌کرده، اما حالا یکی از اعضای خانواده طاقش تمام شده و به قلدری‌های برادر بزرگ‌تر «نه» گفته، هرچند که بیشتر کشورهای عربی دیگر هم نگران رفتار عربستان به‌شکل یک برادر بزرگ‌تر هستند و چندان تمایل ندارند که همیشه غلام حلقه به گوش آل سعود باشند. با این همه پس از جنجالی شدن روابط عربستان، نه‌تنها کشورهای عربی، بلکه سایر کشورهای منطقه و همچنین کشورهای اروپایی و آمریکا مجبور شدند واکنش نشان داده و حرف از پادرمیانی بزنند. ظاهراً دعوای این دو کشور به‌صالح هیچ‌کس جز آمریکا نیست و همه امیدوارند که کار بیشتر از این شیر تو شیر نشود. اگر نگاهی به حواشی این روزها بیندازید متوجه می‌شوید که رسانه‌ها خیلی هم در مورد این موضوع جو ن داده و مسئله می‌تواند برای همه جدی باشد.

حالا چه می‌شود؟

بعد از این که عربستان سعودی، امارات عربی متحده و بحرین، تنها راه زمینی به این شبه جزیره کوچک را بستند و علاوه بر آن اجازه استفاده از بندر یا مسیرهای هوایی را به قطر ندادند، مردم قطر وحشت‌زده شده و برای خرید مواد غذایی به فروشگاه‌های این کشور هجوم بردند. به‌جز مردم قطر، تاجران نفت و گاز هم به هول و ولا افتاده‌اند. قطر بزرگ‌ترین صادرکننده گاز مایع جهان است و به همین خاطر همه افرادی که درگیر بازار سوخت هستند از همین حالا به اضطراب افتاده و مشغول جویدن ناخن‌هایشان شده‌اند، چون بدون شک اوضاع این بازار با این اتفاقات و ادامه درگیری‌ها حسابی قاراش میش خواهد شد. اما این همه ماجرا نیست؛ فوتبالی‌ها هم پس از شنیدن این خبر جوگیر شده و آن‌طور که بویش می‌آید، احتمالاً میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر روی هوا خواهد رفت. اتحادیه فوتبال انگلیس درباره این بحران اظهار نظر نکرد، اما «اینهارد گریندل» رئیس فدراسیون فوتبال آلمان گفت که در این باره با دولت آلمان و اتحادیه فوتبال این کشور مذاکره خواهد کرد.

ZIDANE

پنج پرده از رئال مادرید که با قهرمانی در لیگ قهرمانان تاریخی شد اوزیدان است...!

علیرضا گرانبایه | رئال مادرید، قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شد. وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوید و تیترا اول سایت‌های ورزشی را تماشا می‌کنید، جایی برای تعجب برایتان باقی نمی‌ماند، تعجب چرا؟! وقتی کهکشانی‌های مادرید با رونالدو به فینال لیگ قهرمانان رسیدند! حتی اگر بوفون با تمام وجود درون دروازه یوونتوس قرار گرفته باشد تا بتواند برای یک بار هم که شده، آرزوی خود را تحقق بخشد، حتی اگر بیانکوری‌ها هیچ باختی در طول لیگ قهرمانان تجربه نکرده باشند، حتی اگر آن‌ها ادامه‌دهنده راه قهرمانی‌های دوره‌های ۷ ساله ایتالیایی‌ها باشند، حتی اگر تمام عزم خود را برای کسب سه‌گانه فصل جزم کرده باشند، رئال مادرید دوباره قهرمان اروپا دوباره یا بهتر بگوییم دوازده‌باره قهرمانی که قهرمان شدنش هیچ هواداری را متعجب نمی‌کند.

مرد شماره نیمکت کهکشانی‌ها

وقتی در ژانویه سال ۲۰۱۶ رافائل بنیتز بعد از ۷ ماه به کار خودش در رئال مادرید پایان داد، هیچ چیز باشگاه شبیه گذشته نبوده، هیچ چیزش سرچای خودش قرار نداشت و کار به‌جایی رسید که شاید کم‌کاری در بین بازیکنان برای اخراج بنیتز به گوش رسید! چرا؟ اصلاً مهم نیست، چون پرز تصمیم خودش را گرفته بود، اخراج بنیتز در نیم‌فصل؛ اخراجی که خیلی راحت به سرانجام رسید، تا جایی که حتی یک بازیکن رئال هم برای مربی سابق خود در شبکه‌های مجازی مرثیه نخواند. به‌نظر می‌رسید مورینیو شکست‌خورده در جلسی، بار دیگر به رئال باز خواهد گشت. زمان، تنها مانع نهایی شدن این انتقال بود، به همین دلیل به سبک و سیاق باشگاه‌های بزرگ دنیا، مربی تیم دوم به‌عنوان مربی موقت کار خود را آغاز کرد. زیدان روی نیمکت رئال مادرید، رؤیایی که خیلی زودتر از موعد برای هواداران تحقق یافته بود. زین‌الدین، مرد شماره ۱ نیمکت کهکشانی‌ها لقب گرفت.



والیبالیست‌های دوست‌نداشت

نیمچه پرنده



مثلث چپا

نیمچه پرنده

از قرار معلوم سیدمهدی رح دیکری را عقلانی نمی‌دانند و کرده است. حسینی در قصه در یکی دو بازی با حضور او فرصت بیشتری برای بازی دروازه‌بان ذخیره خواهد بود و فیکس شدن در یکی از تیم



آزمایش خودروی پرنده در ژاپن

درست توی این موقعیت که همه دنیا تقریباً بهم ریخته، ژاپنی‌ها خیلی راحت و خوش، خودروی پرنده‌ای را که ساخته‌اند، آزمایش کرده‌اند. آن‌ها امیدوارند مشعل المپیک بازی‌های تابستانی ۲۰۲۰ را در مراسم افتتاحیه با کمک این خودرو روشن کنند.



وقتی آمریکایی‌ها پرو بازی در می‌آوردند

آمریکایی‌ها برخلاف ژاپنی‌ها به‌جای اینکه سرشان به کار خودشان باشد، توی این اوضاع شلوغ‌پلوغ، ظاهراً روی گرفتاری مردم دنیا حساب کرده و گفته‌اند کی‌به‌کی است و به همین خاطر نماینده‌شان توی سازمان ملل، کارنامه حقوق بشری رژیم صهیونیستی را «قوی و بسیار خوب» خوانده و بر لزوم صدور قطعنامه‌های حقوق بشری بیشتر علیه ایران تأکید کرده است.



شاعری به لطافت شعرهایش

مرضیه دهقان شاعری است که شعرهایش را به‌کمک دندان و دهانش تایپ می‌کند. او که از کودکی دچار معلولیت شده، به‌کمک خانواده‌اش خواندن و نوشتن یاد گرفته و با کمک یک موبایل، شعرهای زیبایش را با دهان و دندان تایپ می‌کند.



ساخت بناهای مشهور با ۳۰ هزار سکه

این فقط بچه‌ها نیستند که با سکه و سنگ کاردستی‌های جورواجور درست می‌کنند بلکه گاه پیش می‌آید که بزرگ‌ترها حتی پیرمردها هم برای سرگرمی دست‌به‌کار ساخت کاردستی‌های جورواجور می‌زنند. یکی از این آدم‌های خوش‌ذوق کشاورز خوش‌ذوق چینی است که با ۳۰ هزار سکه، نمای بیرونی ساختمان‌های مشهور را ساخته است. البته آن‌طور که در خبرها آمده این اولین هنرنمایی کشاورز چینی نیست و پیش‌ازین هم این کشاورز هنرمند با خلاقیت‌هایش خبرساز بوده است. حالا پرسش اینجاست که ایشان این‌همه سکه را از کجا آورده است؟!

۸۷ مسابقه، ۶۵ پیروزی و کسب ۵ جام، فرجام ۱۸ ماه حضور زیدان بر روی نیمکت رئال مادرید بود. حالا چه کسی می‌توانست ادعا کند که او یک خوش‌شانس به تمام مناسبت؟ چه کسی می‌توانست قهرمانی او در لالیگا بعد از ۵ سال را نادیده بگیرد؟ چه کسی می‌توانست اولین دفاع از عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را کم‌ارزش بداند؟



سوم: رئال مادرید کهکشانی شده بود

تایستان رئال مادرید شبیه هیچ‌کدام از تابستان‌های قبلی نبود. میزان هزینه‌های کهکشانی‌ها در فصل نقل و انتقالات کمتر از تمام تیم‌های بزرگ اروپایی بود. بزرگ‌ترین صید آن‌ها موراتانی لقب گرفت که بعد از پایان قرارداد قرضی به‌صورت اتوماتیک به رئال مادرید بازگشته بود. آن‌ها حتی بی‌خیال دخت‌آ شدند و ترجیح دادند با نواوس به حفاظت از دروازه خود مشغول شوند. سرانجام زیدان با همان ترکیب سال گذشته کار خودش را در فصل جدید آغاز کرد، البته این‌بار بدون خامس رودریگز در میانه میدان و حضور کاسمیرو جنگنده برای جبران تمام ظرافت‌های مودریچ و تونی کروس. رونالدو مرد همیشه در میدان نبود و کمترین میزان حضور خود را در طول یک فصل از زمانی که به رئال مادرید آمده بود، تجربه کرد، تا جبرانی شود بر افت احتمالی افزایش سن. وارن بعد از یک فصل نیمکت‌نشینی دوباره به روزهای خوبش برگشته بود، کروس به‌تنهایی در طول فصل ۳۱ پاس گل برای تیمش در رقابت‌های مختلف داد، ایسکو چند هفته مانده به انتهای فصل احیا شد، مارسلو مرد شماره ۱۰ مادریدی‌ها در تمام نبردهای خطوط مختلف زمین شد، واکنش‌های نواوس اعجاب‌انگیز شد. رئال مادرید کهکشانی شده بود، همان تیمی که هر هوادار فوتبالی، دیر یا زود عاشقش می‌شد.



ZIDANE

تمرکز روی موفقیت در لیگ قهرمانان

زیدان و تیمش که قهرمان لالیگا شدند، بی‌خیال تمام حرف و حدیث‌های پیرامون ادامه همکاری در فصل آینده شد، او حتی اجازه برگزاری جشن مفصل قهرمانی هم نداد. سرمربی ۴۴ ساله، تیمش را سازماندهی کرد. بازیکنان و خانواده‌شان را برای شام دعوت کرد. او در رستورانی در مایورکا میزبان بازیکنان و خانواده‌های آن‌ها بود و با ماهی و گوشت از آن‌ها پذیرایی کرد. فقط فابیو کونتراثو و پپه این مهمانی را از دست دادند. رونالدو هم با مادر و نامزدش در این مراسم حضور داشت. طبق درخواست زیدان هم بازیکنان و هم خانواده‌هایشان لباس‌های معمولی خانگی پوشیده بودند. او همه این کارها را انجام داد تا بازیکنان به فکر جشن و مراسم بزرگ‌تر نباشند و فعلاً همه تمرکزشان را روی موفقیت در لیگ قهرمانان و رسیدن به دوازدهمین قهرمانی بگذارند.

پنجم: و قهرمانی...

۸۷ مسابقه، ۶۵ پیروزی و کسب ۵ جام، فرجام ۱۸ ماه حضور زیدان بر روی نیمکت رئال مادرید بود. حالا چه کسی می‌توانست ادعا کند که او یک خوش‌شانس به تمام مناسبت؟ چه کسی می‌توانست قهرمانی او در لالیگا بعد از ۵ سال را نادیده بگیرد؟ چه کسی می‌توانست اولین دفاع از عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را کم‌ارزش بداند؟ کدام کارشناس و هواداری می‌تواند چشم بر رکورد ۴۰ مسابقه بدون شکست فصل زیدان ببندد؟ او نه مانند مورینیو آقای خاص بود که حرف‌ها و عکس‌العمل‌هایش چشم‌نواز باشد و نه مانند آنجولتی با کوله‌باری از تجربه به مادرید آمده بود، ولی متوسط امتیازی که در هر مسابقه کسب کرده بود از هر دو بالاتر بود، چرا؟ چون بود از زیدان است.



چهره هفته:

«رنکینگ» و «دیزاین» منصوریان

سنگین‌ترین شکست تاریخ فوتبال ایران در آسیا به بزرگ‌ترین شوک فوتبالی در چند هفته اخیر تبدیل شد. منصوریان و تیمش ۶ بر ۱ از العین شکست خوردند تا نه تنها از آسیا حذف شوند، بلکه تبعات این باخت تا روزها با کادر فنی و مدیریت باشگاه بماند. شاید حرف‌زدن دوباره از این باخت برای هواداران استقلال واقعاً سخت باشد، ولی خب گاهی برای درمان یک تیم، نیاز به داروهای تلخ‌تر از این هم هست. آیا فاصله ما با فوتبال امارات ۵، ۶ گل است؟ راحت‌ترین راه برای فرار از شوک باخت سنگین استقلال همین یک سؤال ساده است که احتمالاً با جواب منفی روبه‌رو می‌شود. شاید هم بخواهید مثل آرش‌خان برهانی ادعا کنید که بازیکنان داخل زمین استقلال تیم دوم و سوم این باشگاه بودند و اگر فلان بازیکن می‌توانست در این مسابقه به میدان برود، همه چیز ختم به خیر می‌شد! یکبار دیگر حداقل خلاصه مسابقه استقلال تهران و العین را مرور کنید تا متوجه شوید که بله، فاصله این دو تیم در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، همین ۵ گل است. مرور کنید تا متوجه شوید که اگر تمام توپ‌های درون چارچوب استقلال تبدیل به گل می‌شد و از آن‌طرف قرار بود تیرک‌های العین‌ها هم به تور بنشینند، نتیجه‌ای بدتر از این در انتظار آبی‌های پایتخت بود. بگذارید بی‌خیال تحلیل فنی بازی استقلال شویم که تا دلتان بخواهد در این یکی‌دو هفته توسط صاحب‌نظران صورت گرفته است. بگذارید بی‌خیال امید ابراهیمی و امید نورافکن شویم که همه به‌خوبی می‌دانیم که غیبت‌شان قطعاً بر روی نتیجه مسابقه تأثیر داشته است. حالا که فصل فوتبالی استقلال‌ها کاملاً به پایان رسیده است، وقتش رسیده تا منصوریان در کنار آنالیز فنی تیم، عملکرد شخصی و رفتاری خود را هم آنالیز کند تا متوجه شود چه چیزی باعث شد که در کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته و در آستانه بازی حساس آسیایی، حرف از تیم اول و دوم پایتخت بزند؟ چه چیزی باعث شده است تا ادبیات منصوریان در طول یک فصل گذشته آنقدر عجیب باشد که استفاده از کلمات عجیبی مثل «رنکینگ» و «دیزاین تیم» به سوژه طنز رسانه‌ها تبدیل شود؟ پیشنهاد انگلیسی آقای مربی در اوج نتایج بحرانی تیمش از کجا می‌آید؟ زبان بدن عجیب و غریب کنار زمینش، چگونه او را به یک شومن در رسانه‌ها متهم می‌کند؟ منصوریان در کنار جذب ستاره‌های بین‌المللی که این‌روزها به دغدغه‌اش تبدیل شده، باید بنشیند و با خودش خلوت کند، باید «رنکینگ» خودش در بین مربیان حرفه‌ای را پیدا کند، چه‌بسا نیاز باشد تا «دیزاین» رفتار خود را برای فصل جدید با تغییرات عمده مواجه کند. شاید آن‌وقت دیگر نیاز نباشد که سینه به سینه بازیکنش برای خوشحالی پس از گل به هوا بلند شود. شاید آن‌وقت نبود دو، سه بازیکن: کجین بلارا بر سر تیمش نیاید.



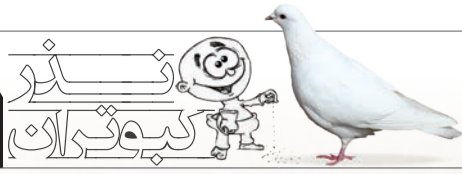
تیم ملی والیبال ایتالیا برای شکست دادن ایران، حتی نیازی به حضور زایتسف در زمین نداشت. ایران در ست‌های دوم و سوم برای لحظاتی از حریف پیش افتاد و تصور می‌شد توانایی شکست دادن رقیب در شاگردان کولاکویچ وجود دارد، اما هر دو بار ایتالیایی‌ها به‌سرعت به امتیازهای ایران رسیدند و ست را به‌عنوان تیم برنده تمام کردند. آن‌ها مقابل برزیل هم شرایط مشابهی را پشت‌سر گذاشتند. ایران تا به امروز در مسابقات لیگ جهانی، آن تیم سابق نبوده: آن تیم شگفت‌انگیز، خالص و دوست‌داشتنی که با هر مسابقه ۷۵ میلیون نفر را مفتون خودش می‌کرد، تیمی که با پسر بچه‌های کم‌دعا جان گرفت و ناگهان اسیر ستاره‌های خودراضی‌اش شد. والیبالیست‌ها، تصویر رؤیایی یک تیم را فروختند و محبوبیت، تکان‌شان داد، رژه المپیک را تحریم کردند، با اتفاقات زندگی شخصی‌شان به تیم لطمه زدند، در آستانه لیگ جهانی به بهانه واهی مصدومیت از تیم کنار کشیدند و اعلام کردند که فقط در داخل کشور حاضرند برای ایران به میدان بروند. پیروزی و شکست، فقط بخشی از ماجراست. اصل داستان را روی اسکوربرد نمی‌نویسند. زمانی برای دوست‌داشتن این مجموعه، کافی بود نگاه‌شان کنیم، اما حالا هر چه نگاه‌شان می‌کنیم، دیگر آن شور و شوق سابق را نمی‌بینیم. حرارت این نسل گم شده، باورش‌شان به بزرگی هم، آن‌ها خودشان را کم کردند و ما هم آن‌ها را. دیگر موی تن‌مان را سیخ نمی‌کنند. دیگر فریادمان را به آسمان نمی‌برند.

ذخیره یافیکس

لیگ یک؟

نیمچه‌پرونده

«سروش رفیعی» به خروج از پرسپولیس نزدیک شده و شاید تنها جدا شده مهم تیم برانکو در فصل نقل و انتقالات باشد. پرسپولیسی‌ها قرار داد همه ستاره‌هایشان را تمدید کرده‌اند، اما سروش رفیعی هنوز حاضر نشده زیر پرگه تمدید قرارداد را امضا کند. سروش از تیم‌های قطری پیشنهاد دارد و اگر شایعه حضور او در السد جدی باشد، پرسپولیسی‌ها کار سختی برای نگه‌داشتنش خواهند داشت. جدایی رفیعی خبر خوبی برای پرسپولیس نیست، اما شاید پیشتر از همه به‌نفع وحید امیری باشد؛ بازیکنی که این فصل، در خط حمله بازی می‌کرد و فصل بعد با رفتن سروش می‌تواند به پست مورد علاقه‌اش برگردد. با جدایی سروش، طارمی و منشا دو مهاجم پرسپولیس خواهند بود و مسلمان، امیری و احمدزاده هم در خط هافبک به میدان می‌روند. مثلث مسلمان، امیری و احمدزاده خط هافبکی خلاق برای پرسپولیس می‌سازد که همه بازیکنان آن، چپ‌ها هستند. البته یکی از این چپ‌ها یعنی فرشاد احمدزاده، به‌صورت تخصصی در پست هافبک راست بازی می‌کند و برانکو مشکلی برای چینش آن‌ها نخواهد داشت.



پیوسته دست بر سر زوار می کشی
تو کیستی که ناز کنه کار می کشی
پاییز بوستان دل ما بهار توست
در شهر طوسی و همه عالم دیار توست

گل بوسه امام زمان بر مزار توست
شیعه به هر کجا که رود در کنار توست
چشم و چراغ و محفلم اینجاست یا رضا
هر جا سفر کنم دلم اینجاست یا رضا

نمایش

همه مهمان هستیم (۵)
رمضان، ماه مهمانی خداست. ماهی که همه مسلمانان جهان در آن مهمان هستند.



دادگاه شنبه ها

دوست نوجوان من! همدکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرندهای شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به همدک کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم. پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



سیدمحمد سادات اخوی

هی رفیق ساله؟! سلامی!

سلام رفیق! حواست به منه؟! می‌گم... اون موقع‌ها رفتن به «سفر» داستانی داشت... از یه هفته قبلش باید به پدر و مادرت التماس می‌کردی تا راضی می‌شدن و بعدش هم کلی شرط می‌ذاشتن... از همین شرط‌های معمولی، اما سخت...

باید یه هفته تموم مشق‌هامون رو خوب می‌نوشتیم... یا قول می‌دادیم که «پاک‌کن» رو جوروی نکشیم که کاغذ دفترمون پاره بشه... یا «تلویزیون» رو سر ساعت خاموش می‌کردیم و می‌خواهیدیم تا فردا صبحش مادرمون مجبور نشه شش صدبار - به قول خودش - خلقش رو پاره کنه تا از خواب بیدار بشیم... دست آخرش هم که می‌رفتیم مسافرت، تازه می‌فهمیدیم از همون هفته پیش، قرارش رو گذاشته بودن و یه هفته بی‌خودی بیاج داده بودیم! اون سال هم اول‌های نوجوونیم بود که با «پدریزرگ، مادریزرگ و مادر» رفتیم به سفر «مشهد»... همراه «هیئت» پدریزرگ.

آدم‌های فراوونی اومده بودن... کلی زن و مرد و بچه قد و نیم‌قد اومده بودن... سفرمون «دورهزه» بود و همه دوستانشون رو انتخاب کرده بودن... در «حسینیه» و «حرم»، همسفرهامون رو می‌دیدیم که دوتایی و چندتایی با دوستانشون راه می‌رفتند و گپ می‌زدن... حتی بچه‌ها هم رفیق داشتن... مثل من و رفیق دست‌به‌سینه‌م (در سمت راست عکس)... اما یکی از بچه‌ها «بی‌رفیق» مونده بود... همین «حسین» که در سمت چپ عکس ایستاده... همین حالا هم که می‌خواهم بپتون بگم چرا کسی با حسین رفیق نمی‌شد، غمگین می‌شدم... به خاطر یه بیماری مادرزادی، دو دست حسین بی‌حس و کم‌حس بودن... حال بچه‌های همسفر از دیدن دست‌های حسین بد می‌شد... رفیقم بهترین پیشنهاد دنیا رو کرد... که با حسین دوست بشیم.

حسین آنقدر خوشحال شد که نگو. بعدش هم با هم رفتیم به حرم «امام‌رضا(ع)» و از این عکس‌ها گرفتیم... که اون سال‌ها عکاس‌های دوره‌گرد می‌گرفتند و دوتا عکس رو توی یه عکس می‌ذاشتن... هی رفیق! آگه ساله، حواست به رفیق‌های بیمارت باشه... قربونت! تا بعد، خدا نگهدار!

افکار و نظریات

سرم روی کتاب ریاضی بود و تند تند صفحات را ورق می‌زدم. انگار نه انگار که کتاب ریاضی به بیرون پرتاب کرد. نفهمیدم چی گفت. یک دفعه دیدم بالای سرم ایستاده است. مگه با تو نیستم؟ چرا جواب نمی‌دی؟ دارم درس می‌خونم! درس می‌خونی یا فقط کتاب رو ورق‌ورق می‌کنی؟ پاشو برو خونه پسرعموت اینا، به زینب خانم بگو افطار می‌ریزم خونه‌شون. الان؟ ساعت ۴ عصره. چیزی به افطار نمونده! تازه من فردا امتحان دارم. برای همین می‌گم. تو که از ریاضی چیزی سرت نمی‌شه. لاقابل بری اونجا. لیلا کمی باهات کار کنه. برای افطار هم سوپ و کوکو درست کردم. بگو خودتون رو به زحمت نندازن. کمی این یا و آن یا کردم. ولی مامان کوتاه نمی‌آمد.

نه، ممنون. خواستم بگم به مامانت بگو افطار میایم خونه‌تون. من برمی‌گردم تا با مامان پیام. کاری ندارم؟ لیلا خمیازه بلندی کشید و گفت: «نه ممنون. می‌بینمت» و در را بست.

بوی سوپ خوشمزه مامان توی خانه پیچیده بود. وارد آشپزخانه که شدم، مامان پای گاز ایستاده بود و کتلت‌ها را یکی‌یکی توی ماهیتابه زیر و رو می‌کرد. دلم ضعف رفت. اگر روزه نبودم، حتماً چندتایی از آن‌ها را داغ‌داغ بلعیده بودم. خونه بودن؟

آره. به لیلا گفتم. کی قراره این تلفن وصل بشه تا مسئولیت چاباری از گردن من بیفته؟ بیخشید که باعث زحمت شما می‌شیم و همین یک کار رو مجبورین انجام بدین.

خوب دروغ که نمی‌گم. عصر ارتباطانه مادر من! اون وقت اومدین به جایی خونه خریدین که نه موبایل خط می‌ده، نه تلفن داره. این یعنی این که ما داریم ته دنیا زندگیم می‌کنیم. شرمندگی که بابت خرید این خونه از شما اجازه نگرفتیم. حالا برو سر درست و هر جا رو اشکال داری، علامت بزن که شب زیاد علافمون نکنی. مریم تو رو خدا یه کم حواست رو جمع کن مثل پارسال... من همین قدر از ریاضی می‌فهمم. همه که یلاخانوم نمی‌شن. بعدم من گفتم این رشته رو دوست ندارم. شما مجبورم کردین تا خودتون از بقیه فامیل عقب نمونین. به من بود، هنرستان می‌رفتم.

نیست که از هر انگشتت یه هنر می‌ریزه! حالا برو وقت من رو بگیر. یه ساعت دیگه بابات میاد. حواست باشه ماشین رو نپاره تو پارکینگ. با این قابلمه سوپ نمی‌شه پیاده بریم. بابا که رسید، خسته بود. کمی هم غرغر کرد که چرا با او هماهنگ نکردیم. آبی به دست و صورتش زد و لباس عوض کرد. قابلمه را از دست مامان گرفت. من هم ظرف سبزی را برداشتم و صندلی عقب نشستیم. کمی طول کشید تا مامان با ظرف کتلت‌ها و یک بطری شربت خاکشیر سوار ماشین شود. بابا چپ‌چپ نگاه می‌کرد و گفت: خوب چه کاریه. افطارمون که آماده است. می‌خوریم، بعد می‌رفتیم.

تو باش به اینه که توی افطار با همسایه شریک بشی. زنگ در را که زدم، لیلا لباس مهمانی پوشیده، آن را باز کرد. ما را که دید، تعجب کرد. مگه قرار نبود ما بیایم خونه شما؟ من و مامان و بابا نگاهی به هم و به طرف‌های توی دستمان و به پسرعمو و زینب خانم که هر کدام یکی از دوقلوها را بغل گرفته بودند و از پله‌ها پایین می‌آمدند، انداختیم. صدای الله‌اکبر اذان با صدای خنده‌های ما درهم آمیخت.

ممنون و مامان و بابا رضایح بهیم و بی‌شرف‌هاک توک رستمای و بی‌پسرعمو زینب خانم که هر کدام یکی از دوقلوها را بغل گرفته بودند و از پله‌ها پایین می‌آمدند. صدای الله‌اکبر اذان با صدای خنده‌های ما درهم آمیخت.



زهره اکبر آبادی
مری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیشابور

در استفاده از موبایل، شورش را در نیابید...
https://telegram.me/khosranjom_majid

یه بار سر سفره بابام پرسید، مشکلی پیش اومده پسر؟ چرا به غذات دست نزدی؟! گفتم: هیچی گفت: خوب باشه! برداشت غذای منم خورد معمولاً تو فیلما این جور می‌شد!

پسر خوشمزه خان
هیچ وقت به اون کسی که قبل از امتحان بهش می‌گی «برسونیا» و می‌گی «چششتم»، اعتماد نکنید.

خوشمزه خان
خوبی استعداد جاقی اینه که نیازی نیست زحمت بدی به خودت و کشفش کنی، خودش خودبه‌خود ظاهر می‌شه، حتی آگه نخوای.

خیل خان
برای این که دیارو یه جور دیگه ببینید، لازم نیست کار عجیبی انجام بدید، فقط روزی ۳۰ دقیقه کتاب مطالعه کنید.

استاد بزرگ

داداشم بچه بود... بهش می‌گفتم شب یه دو هزار تومنی یزار زیر بالشت... صبح که پا می‌شی می‌بینی جاش یه دونه شکلاته... این جور نگام نکنین. بالاخره زندگی خرج داره!

خوشمزه خان
از همه یکنواخت تر، این مورچه‌خواره که همش مورچه می‌خوره... یعنی دلش هوس فستجون نمی‌کنه؟ یا قیمة؟ یا ماکارونی؟

خیل خان
سیستم خونه ما این جوریه که اگر برای شام بیرون یه چیزی بخوری، خونه قطعاً غذا هست و اگر نخوری، قطعاً نیست.

آقای همساده
۱۰-۱۲ سال دیگه که موفق شم لیسانسم رو بگیرم، می‌خوام یه کتاب بنویسم به اسم «صد ترم مشروطی» و تجربه‌هام رو در اختیار بقیه قرار بدم.

تیل خان

هشنگو
جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.